

شهید صمد ذوالفقاری در آغاز جنگ تحمیلی مشغول به تحصیل بود که به عنوان امدادگر از سوی جمعیت هلال احمر ارومیه به جبهه‌های حق علیه باطل اعزام شد و پس از حضور فعال در منطقه عملیاتی پانه به فیض شهادت نائل شد.

صمد ذوالفقاری امدادگر شهید



آبگرمکن، یخچال، فریزر، اجاق گاز و اشیای بلند و بسیار سنگین باید با بست یا تسمه‌های مناسب به کف و دیوار منزل محکم شوند.

مدرسه امداد

شهروند

شنبه ۱۳ بهمن ۱۳۹۷ | سال ششم | شماره ۱۶۱۴
www.shahrvand-newspaper.ir

همراه باناصر عمادی (۸)

کشاورزان کیاسری و عوارض خطرناک سموم کشاورزی

دکتر ناصر عمادی پزشکی است که مرز نمی‌شناسد. او متخصص پوست، عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران و از مجروحان شیمیایی جنگ است. این پزشک داوطلب هلال احمر در کشورها و شهرهای مختلف حاضر می‌شود و نیازمندان را رایگان درمان می‌کند. آن چه در ادامه می‌آید، خاطره او از حضور در کیاسر و ویزیت رایگان بیماران است:

امروز ۹/۱۲/۴ مصادف با اعیاد شعبانیه بود. صبح زود طبق هماهنگی قبلی با جناب آقای دکتر جهان آرا برای ویزیت رایگان بیماران و بررسی مشکلات پوستی آنان بعد از طی مسافتی حدود ۱۰۰ کیلومتر (از قلمشهر) به شهر زیبای در دل کوهستان سرسبز یعنی کیاسر رسیدم. گمان نمی‌کردم مناظری به این زیبایی در کشورمان وجود داشته باشد. دستگاه کربو و چند بسته وسایل جراحی را هم با خود داشتم تا اگر بیماری نیازمند جراحی ساده‌داشت، برایم انجام آن مقدور باشد. وارد شهر کیاسر که شدم، آقای دکتر جهان آرا به استقبال آمد. بلافاصله به محل مرکز بهداشت رفته و معاینه بیماران را شروع کردم. مردم باصفا، آب و هوای کوهستانی و خنک و استقبال بسیار صمیمانه و خودمونی کارمندان مرکز بهداشت و مهمتر از همه بیمارانی که منتظر ما بودند تا در اعیاد شعبانیه به نام آقام حسین (ع) و ابوالفضل (ع) که نامشان شفای هر دردی است، در کنارشان باشیم را به حال و هوای خاصی تبدیل کرده بود.

حدود ۸۰ بیمار را معاینه کرده، ۲ عمل جراحی و ۷ عمل کربوترایی برای بیماران انجام دادم؛ واقعا روز خوبی بود. باصفا ترین لحظه زمانی بود که پدر و مادری که ۴ فرزند آنان در سال‌های دفاع مقدس به شهادت رسیده بودند، در نهایت کپوت اما بسیار مقتصد و مطمئن با چهره‌ای نورانی و تبسم بر لب در خدمتشان بودم. بعد از معاینه آنان و نوشتن نسخه و توصیه‌های درمانی، با هم کمی گفتیم و خندیدیم و زمان خداحافظی، خود و فرزندان شهیدشان را معرفی کردند. مادر شهید جمله‌ای گفت که حس کردم هنوز منتظر شهیدشان‌اند. تا حد خروج آنها را بدرقه کردم. با خودم فکر کردم شاید این حس انتظار اثبات این واقعیت است که شهیدان زنده‌اند و نزد خدای خود هستند.

اما نکته‌ای که من را نگران کرد، آمار بیماران مبتلا به اگزما دست یا بیماری سوزاکی دست بود که در ۱۴ بیمار از ۷۷ بیمار ملاحظه کردم. از این ۱۴ بیمار، ۱۰ نفر آنان مسن و کشاورز بودند و این موید آن بود که ارتباطی بین شغل آنان و بیماری دست آنها وجود دارد. بعد از کمی دقت و پرسش و پاسخ مشخص شد اکثر آنان به دلیل استفاده از سموم کشاورزی دچار اگزما یا خارش و سوزش و ترک خوردگی پوست دست‌ها شده‌اند و چون خود آنان دقتی به این موضوع نداشتند، حتی در مواردی بیماری به سایر نقاط از پوست بدن سرایت کرده بود، اما نکته بسیار مهم که باید مورد توجه قرار گیرد آن است که امکان جذب خونی سموم از طریق پوست آسیب‌دیده به دلیل شکاف‌ها و ترک‌هایی که در دست کشاورزان ایجاد شده، وجود دارد. این جذب خونی سموم از طریق پوست می‌تواند موجب عوارض زودرس و حتی بیماری‌های خطرناک دیررس در کشاورزان شود. موضوع را با آقای دکتر جهان آرا و آقای دکتر میرزایی معاون محترم بهداشتی دانشگاه در میان گذاشتم تا کشاورزان و خانواده‌های آنان را از موضوع مطلع و اقدامات پیشگیرانه را به اجرا بگذارند. استفاده از دستکش نخی به همراه دستکش پلاستیکی در هنگام کار و پرهیز از مالیدن دست به چشم و صورت و همین‌طور پرهیز از دست‌داندن با دیگران و به‌خصوص اعضای خانواده و اطفال و نهایتاً شست‌وشوی کامل دست‌ها و بدن و تعویض کامل لباس قبیل از ورود به منزل از نکات بسیار ضروری و جدی است که عزیزان کشاورز می‌بایست آن را دانسته و به یاد داشته باشند. به همکاران مرکز بهداشت توصیه کردم موضوع به راحتی در مراسمی که اکثر مردم حضور دارند یا با پمفلت‌های آموزشی قابل طرح و اجراست. این نکته بسیار مهمی بود که به دلیل حضور در کنار مردم (در محل زندگی و کار آنان) موفق به دریافت علت اگزمای دست شدم. در غیر این صورت هر کدام از این بیماران به پزشکی در شهر ساری مراجعه و شاید یافتن علت اصلی مقدور نمی‌شد. ساعت ۲ بعد از ظهر با همکاران مرکز بهداشت عکسی به یادگاری گرفته و عازم ساری کلینیک طبوبی شدم. در پایان نمی‌توانم کتمان کنم عازم آقای دکتر جهان آرا مسئول مرکز کیاسر که به‌رغم بارها تماس تلفنی با یکدیگر و حتی تا ساعت ۱۰ صبح همان روز معاینه، نمی‌دانستم که ایشان مسئول مرکز و پزشک‌اند؛ زیرا در تماس‌های تلفنی و استقبال آن قدر متواضع و فروتن بودند که فکرمی‌کردم یکی از پرسنل و کارمند هماهنگ کننده هستند. حقا که دکتر جهان آرا، دل‌مان و جهان را راست تا بدین‌امین قدر برای دکتر بودنمان قیافه‌نگیریم.



دارای استقلال و آزادی در پیشبرد فعالیت‌های خیرخواهانه نمایندگی می‌کنند و مقامات دولتی را در عرصه کمک به سلامتی انسان‌ها و تسکین آلام بشری یاری می‌رسانند.

ج: در سطح بین‌المللی، این جمعیت‌ها با همکاری کمیته بین‌المللی صلیب‌سرخ و فدراسیون بین‌المللی جمعیت‌های ملی به قدر توان خود برای قربانیان حوادث طبیعی و غیر طبیعی مطابق قراردادهای ژنو مساعدت مادی و معنوی را در نظر می‌گیرند.

د: لازم است جمعیت‌های ملی با فدراسیون بین‌المللی مطابق اصول اساسی آن همکاری کنند. بعد از پایان جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۹ رئیس جمعیت صلیب‌سرخ کشور آمریکا پیشنهاد داد که حالا وقت آن فرارسیده تا تمام جمعیت‌های ملی در چارچوب یک سازمان بین‌المللی متحد شوند. بر اساس این نظر، رؤسای جمعیت‌های ملی چند کشور در شهر پاریس تشکیل جلسه داده و اساس فدراسیون جمعیت‌های ملی را بنیان گذاشتند.

تصویب رساند و از آن به بعد این کمیته‌ها به نام جمعیت‌های ملی در هر کشور نام گرفت. در آغاز امر هدف اصلی این جمعیت‌ها رسیدگی به مداوای زخمیان جنگ بود، متعاقباً این هدف وسعت پیدا کرد و مراقبت احوال اسیران و قربانیان جنگ را نیز شامل شد و با گذشت زمان این مساعدت‌ها از حالت انحصار در شرایط جنگ بیرون آمده و دستگیری از نیازمندان را در هر گونه شرایط جنگی و غیر جنگی شامل شد.

ماده سوم اساسنامه نهضت بین‌المللی صلیب‌سرخ و هلال احمر که در سال ۱۹۸۶ به تصویب رسید در مورد عضویت جمعیت‌های ملی در نهضت بین‌المللی صلیب‌سرخ و هلال احمر چنین می‌گوید:

الف: تشکیل جمعیت‌های ملی، اساس نهضت، رمز قوت و متانت حیاتی آن به‌شمار رفته که وظیفه انسانی خود را طبق مقررات ملی در جهت تحقق رسالت نهضت و با پیروی از اصول و اساسنامه‌ها آن پیش می‌برد.

ب: جمعیت‌های ملی در هر کشور از یک سازمان

به مناسبت صدسالگی فدراسیون بین‌المللی صلیب‌سرخ و هلال احمر

چالش قرن!

توسعه دهه کنونی، به منظور نجات جان‌ها و تغییر اذهان متعهد است.

این فدراسیون تلاش می‌کند تا استانداردهای انسانی را با شکر کای خود در واکنش نسبت به فجایع بهبود و توسعه بخشد. این استانداردها تصمیم‌گیرندگان را بر آن می‌دارد تا در راستای منافع مردم آسیب‌دیده عمل کنند. این فدراسیون تلاش می‌کند تا جوامع سالم را فعال کند، آسیب‌پذیری را کاهش دهد، انعطاف را تقویت کند و فرهنگ صلح را در سراسر جهان گسترش دهد.

بعد از پایان جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۹ رئیس جمعیت صلیب‌سرخ کشور آمریکا پیشنهاد داد که حالا وقت آن فرارسیده تا تمام جمعیت‌های ملی در چارچوب یک سازمان بین‌المللی متحد شوند

جمعیت‌های موسس شامل ۵ کشور انگلستان، فرانسه، ایتالیا، ژاپن و ایالات متحده آمریکا بودند.

فدراسیون بین‌المللی صلیب‌سرخ و هلال احمر بزرگترین سازمان بشر دوستانه جهان به‌شمار می‌رود و شعبه مرکزی آن در «ژنو» قرار دارد. این فدراسیون هر ساله به ۱۶۰ میلیون نفر از طریق ۱۹۰ انجمن ملی خود کمک‌های بشر دوستانه را توزیع می‌کند. این سازمان پیش و بعد از فجایع و وضعیت‌های اورژانس بهداشتی برای برطرف کردن نیازها و بهبود زندگی افراد صدمه‌دیده عمل می‌کند. این کار بدون هیچ گونه تبعیضی در زمینه ملیت، نژاد، جنسیت، اعتقادات مذهبی، کلاس و عقاید سیاسی انجام می‌شود.

بر اساس استراتژی ۲۰۲۰ صلیب‌سرخ و هلال احمر - برنامه جمعی این سازمان (IFRC) که شامل بخشی از نهضت بین‌المللی صلیب‌سرخ همراه با کمیته بین‌المللی صلیب‌سرخ و ۱۹۰ فهرست صلیب‌سرخ و جوامع هلال احمر است برای مقابله با چالش‌های عمده انسان دوستانه و

«شیر و خورشید» چطور «هلال احمر» شد؟

این موارد کمک‌رسانی به زلزله‌زدگان شیروان در سال ۱۳۰۸ خورشیدی بود. در همین سال که مطابق با سال ۱۹۲۹ میلادی بود، در سومین نشست کنوانسیون ژنو که پس از پایان جنگ جهانی اول در کشور سوئیس و شهر ژنو برگزار شد، نماینده دولت ایران و دولت ترکیه از شرکت کنندگان در کنفرانس خواستند که نشان شیر و خورشید (ایران) و هلال احمر (ترکیه) در سراسر دنیا به رسمیت شناخته شود. این کنوانسیون پروانه داد که ایران از نشان خود یعنی نشان شیر و خورشید سرخ ایران و ترکیه از نشان هلال احمر استفاده کنند و این دو نشان از جانب کنوانسیون به رسمیت شناخته شد.

کمتراز دو سال پس از انقلاب اسلامی، در تیر ماه ۱۳۵۹ وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران طی اطلاعیه‌ای اعلام کرد که برای هماهنگی بیشتر در نمادهای جمعیت‌های خیریه در جهان از این پس از آرم هلال احمر به جای شیر و خورشید استفاده خواهد کرد. متن اطلاعیه وزارت خارجه به این شرح است: «دولت جمهوری اسلامی ایران به منظور جلوگیری از تعدد علائم مشخصه بین‌المللی برای کارهای امدادی و خیریه و کمک به متحدالشکل ساختن این علائم شناخته‌شده، رسماً به مقامات صلیب‌سرخ بین‌المللی اطلاع داد که از حق انحصاری خود دایر بر استفاده از شیر و خورشید سرخ به عنوان یکی از سه علامت رسمی اتحادیه بین‌المللی صلیب‌سرخ صرف‌نظر کرده و از این به بعد از علامت هلال احمر که مورد قبول کلیه کشورهای اسلامی است، برای امور خیریه و امداد استفاده خواهد کرد. دولت جمهوری اسلامی ایران همچنین به مقامات صلیب‌سرخ بین‌المللی هشدار داده است که هر گاه مواردی از نقض قاعده کلی استفاده از یکی از دو علامت صلیب‌سرخ و یا هلال احمر مشاهده شود، دولت جمهوری اسلامی ایران حق خود را برای استفاده از علامت خاص خود در سطح بین‌المللی محفوظ خواهد داشت.»

روزنامه کیهان همان روز با انتشار اطلاعیه وزارت خارجه نوشت: «علایم رسمی اتحادیه بین‌المللی صلیب‌سرخ که ایران یکی از اعضای آن می‌باشد، عبارت است از صلیب‌سرخ، هلال احمر و شیر و خورشید که با این حساب ایران نیز از این پس با صرف نظر از آرم اختصاصی خود، از هلال احمر استفاده خواهد کرد.»

پس از پیروزی انقلاب ایران در سال ۱۳۵۷ تغییرات وسیعی در ساختار، ماهیت و وظایف جمعیت به وجود آمد. نخستین تغییر اساسی ساختار جمعیت پس از انقلاب، تفکیک مراکز بهداشتی - درمانی از جمعیت بود. بر اساس مصوبه

جمعیت شیر و خورشید سرخ نخستین سازمان خیریه ایران بود که عهده‌دار وظایف مهم و متعددی در مسائل مربوط به امداد رسانی در حوادث غیر مترقبه و امدادی، تأسیس بیمارستان و درمانگاه، تهیه دارو و تجهیزات پزشکی، تربیت پرستار، نگهداری از کودکان بی سرپرست، ارائه برنامه‌های ویژه برای جوانان و برخی فعالیت‌های عمرانی در داخل و خارج از کشور بود. این جمعیت در سال ۱۳۰۱ شمسی با کوشش و پیگیری دکتر امیراعلم تنظیم و تأسیس شد. به گزارش تاریخ ایرانی، در سال ۱۳۰۱ خورشیدی دکتر امیراعلم که مدیر بهداری استان خراسان بود، پس از زلزله ویرانگر بجنورد، مقررات وضع شده از سوی صلیب‌سرخ جهانی برای جمعیت‌ها را ترجمه کرد و در اختیار احمدشاه قاجار، پادشاه وقت ایران، قرار داد تا شاه آن را مطالعه کرده و مقدمات تشکیل جمعیت به منظور جلب کمک‌های خارجی در هنگام بلایای طبیعی و حوادث غیر مترقبه فراهم شود. بر اساس این متن ترجمه‌شده، نظامنامه اساسی (اساسنامه) جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران تهیه شد و در اسفند ۱۳۰۱ شمسی به امضای ولیعهد، محمدحسن میرزای قاجار رسید. این اساسنامه در ۱۰ فصل و ۶۰ ماده تهیه شد و برابر مقدمه آن، ریاست افتخاری جمعیت با ولیعهد بود. اگر چه به روایت دکتر امیراعلم، شاه و ولیعهد با طفره رفتن‌های مکرر از شرکت در مجلس که به منظور افتتاح جمعیت برپا شده بود، خودداری کردند، اما نخستین جلسه رسمی کمیته مرکزی جمعیت در مرداد سال ۱۳۰۲ تشکیل شد. این جمعیت پس از تأسیس بلافاصله عضو کمیته فدراسیون بین‌المللی صلیب‌سرخ و هلال احمر (IFRC) شد و علامت شیر و خورشید سرخ را ثبت کرد.

نخستین فعالیت‌های امدادی جمعیت شیر و خورشید سرخ در جریان کمک به زلزله‌زدگان تربت حیدریه بود. تعیین هیأت مرکزی موسسه، تشکیل هیأت‌های مختلف جمعیت در بعضی ایالت‌های کشور و نیز راه‌اندازی مجله‌ای به عنوان ارگان رسمی جمعیت به نام «شیر و خورشید سرخ» از دیگر کارهایی بود که این جمعیت در سال‌های اولیه تشکیل به اجرا گذاشت. در سال ۱۳۰۶ در جلسه هیأت مرکزی جمعیت، به ترتیب حسن مستوفی الممالک، سیاستمدار مشهور به عنوان رئیس و دکتر امیراعلم به عنوان نایب‌رئیس اول جمعیت انتخاب شدند. اعضای کمیته مرکزی از میان بنیانگذاران و یاری‌رسانندگان به جمعیت و در جلسه عمومی جمعیت انتخاب می‌شدند. در سال ۱۳۰۷ نیز نخستین اقدامات برای تشکیل جمعیت زنان شیر و خورشید سرخ ایران صورت گرفت. در سال‌های بعد، تشکیلات جمعیت رو به گسترش گذاشت و بسته به موقعیت افراد عضو جمعیت به کمک‌سازندگان و نیز نیازمندان می‌پرداخت؛ از جمله